

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

درس چهل و چهارم- شهر متفکران بزرگ

شهر ینا در قرن 18 میلادی متفکران معروف زیادی به دور خود جمع کرده بود. یکی از آنها فریدریش شیلر، شاعر معروف بود. پاولا و فیلیپ نمایشنامه ای اجرا می کنند در باره اولین کلاس درس این شاعر در دانشگاه ینا.

در این بخش شنوندگان به قرن 18 سفر میکنند و مطالبی در باره شیلر و گوته می شنوند. شیلر در 29 سالگی تدریس در دانشگاه را شروع کرد. در اولین جلسه تدریس او 500 دانشجو شرکت کردند. این تعداد غیر منتظره شرکت کنندگان موجب شد که با عجله یک کلاس بزرگتری برای او در نظر گرفته شود.

آقای پروفیسور شنوندگان را از زمان گذشته به زمان آینده می برد و این بار خود را با فعل "werden" خود را سرگرم می کند که از وقوع اتفاقی در زمان آینده خبر می دهد.

Manuskript der Folge 44

مجری:

شنوندگان گرامی، درود بر شما. شما را به شنیدن چهل و چهارمین بخش از سری برنامه آموزش زبان آلمانی رادیو D دعوت می کنم. فیلیپ و پاولا سرگرم گشت و گذار در شهر ینا هستند. یک آگهی تبلیغاتی توجه فیلیپ را به خود جلب می کند که روی دیوار قدیمی شهر نصب شده و حکایت از "رژه اندیشمندان ینا" دارد. در واپسین سال های قرن هیجدهم میلادی GEISTER یا متفکرین صاحب نامی در شهر ینا زندگی می کردند: دانشمندان علوم طبیعی، فیلسوفان، ادیبان و شاعران و نظایر اینها. فیلیپ در صحنه ای که خواهید شنید به نام دو نفر از شاعران بزرگ این دوران اشاره می کند. این دو شاعر کدامند و چه چیزی درباره مناسبات بین این دو گفته می شود؟

Szene 1: Auf dem Marktplatz in Jena

Paula

Hier gefällt es mir, die Stadt ist wirklich schön.

Philipp

Guck mal, da oben. Siehst du die Werbung? "Jena 2005 – Zug der Geister".

Paula

Was für Geister denn?

Philipp

Na, z. B. Schiller und Goethe.

Paula

Stimmt! Schiller kam ja mit 29 Jahren als Professor nach Jena. Und hier, in Jena, begann auch die große Freundschaft zwischen Schiller und Goethe.

مجری:

فیلیپ از شیلر و گوته یاد می کند که در شمار شاعران بزرگ آلمان هستند.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Paula

Was für Geister denn?

Philipp

Na, z. B. Schiller und Goethe.

مجری:

در سال ۱۷۸۹ شیلر که فردی ۲۹ ساله است به توصیه گوته به سمت پروفیسوری به شهر ینا دعوت می‌شود.

Paula

Schiller kam ja mit 29 Jahren als Professor nach Jena.

مجری:

و در شهر ینا، FREUNDSCHAFT یعنی دوستی ای بین شیلر و گوته شروع می‌شود، دوستی ای بزرگ و پر دوام.

Paula

Und hier, in Jena, begann auch die große Freundschaft zwischen Schiller und Goethe.

مجری:

و حال شهر ینا با برگزار کردن "رژه اندیشمندان" بر آن است تا خاطره شهروندان صاحبنام خود را گرامی دارد. به همین خاطر، آگهی تبلیغاتی بزرگی را بر دیوار شهر نصب کرده‌اند.

Philipp

Guck mal, da oben. Siehst du das Plakat? "Jena Zug der Geister".

مجری:

رژه تاریخی شهر ینا اینگونه برگزار می‌شود: شرکت کنندگان در این مراسم، نقش یکی از شخصیت‌های مهمی که در حدود سال ۱۸۰۰ در این شهر زندگی می‌کردند را برعهده می‌گیرند و خود را چون آنان می‌آرایند. به این صحنه گوش کنید، ماه مه سال ۱۷۸۹ است و شیلر برای نخستین بار در ینا سخنرانی می‌کند.

Paula

Hallo, liebe Hörerinnen und Hörer.

Philipp

Willkommen ...

Paula

... bei Radio D.

Philipp

Radio D ...

Paula

... das Hörspiel.

مجری:

آیا این روز برای شیلر روزی موفقیت‌آمیز بود یا روز شکست و ناکامی؟ این موضوع را شما چگونه تشخیص دادید؟

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Schiller

Da sehen Sie, die Studenten kommen! Es sind viele!
Und es werden immer mehr!

Prof. Reinhold

Alle wollen Sie hören. Aber mein Haus ist ja viel zu klein
für so viele Menschen. Das wird eng!

Bote

Eine Nachricht von Professor Griesbach.

Prof. Reinhold

Ja, bitte schön.
Sie sehen: Ganz Jena ist auf den Füßen! In meinem
Haus ist Platz für alle – Schiller kann **bei mir** lesen.

Sie werden bei Professor Griesbach lesen! Er hat Sie
eingeladen. Sein Haus ist größer. Auf zu Griesbach!

Schiller

Das ist eine gute Idee!

Griesbach

Ich freue mich so, Herr Professor Schiller, dass Sie nun
in meinem Haus Ihre Vorlesung halten werden.

Schiller

Die Freude ist auf meiner Seite.

Meine Herren:
Der philosophische Geist hat nur ein Ziel: Das Ziel, für
Wahrheit und Freiheit zu kämpfen.

Ihre Tat lebt weiter.

Ich danke Ihnen, meine Herren!

Mann 1

Vivat!

Mann 2

Vivat!

Mann 3

Vivat!

مجری:

از فضای حاکم بر سالن شما متوجه خرسندی و رضایت حاضرین می‌شوید: آنها با شور و هیجان پای می‌کوبند و دست می‌زنند و سه بار از سر تحسین کلمه لاتین "Vivat" را فریاد می‌زنند که به معنای زنده باد است. هر لحظه تعداد علاقمندانی که برای شنیدن سخنان او به سالن وارد می‌شوند، افزایش می‌یابد و این موضوع، هم مایه خوشنودی شیلر است و هم او را عصبی می‌کند.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Schiller

Da sehen Sie, die Studenten kommen! Es sind viele! Und es werden immer mehr!

مجری:

شمار حاضرین در سالن را بیش از ۵۰۰ نفر اعلام کرده‌اند، و این چنین است که میزبان این جلسه نگران کمبود جاست و می‌گوید: "Das wird eng!"

Prof. Reinhold

Aber mein Haus ist ja viel zu klein für so viele Menschen. Das wird eng!

مجری:

شاید شما تعجب کنید که چرا نخستین جلسه سخنرانی شیلر در یک خانه شخصی برگزار می‌شود. علیرغم این موضوع که دانشگاه بنا ۲۰۰ سال پیش از آن تاسیس شده بود، برگزاری سخنرانی در خانه‌های شخصی در آن هنگام امری بسیار معمول بوده است.

و این که "تمام شهر بنا به پا خواسته" است و برای شرکت در سخنرانی شیلر به راه افتاده است، از نگاه استاد الهیات GRIESBACH پوشیده نمانده است. گریسباخ از شیلر می‌خواهد سخنرانی‌اش را در خانه او برگزار کند، که جا و ظرفیت کافی برای همه شرکت کنندگان دارد.

Prof. Reinhold

Sie sehen: Ganz Jena ist auf den Füßen! In meinem Haus ist Platz für alle – Schiller kann **bei mir** lesen.

مجری:

این بیشتر شهرت شیلر به عنوان نویسنده نمایشنامه "راهنان" است که مردم را جذب می‌کند تا شهرت او در مقام استاد تاریخ. مردم خود را شتابان به خانه گریسباخ می‌رسانند. هر کس می‌خواهد جایی در سالن بیابد.

سخنان شیلر، تحسین حاضران را بر می‌انگیزد. نخستین سخنرانی او در شهر بنا شهرت بسیاری یافته است. او در این سخنرانی از راه تحول مقدر انسان "از غارنشینان بی‌تمدن به متفکران نکته‌سنج" سخن گفته است. این اندیشه فلسفی تنها یک هدف دارد.

Schiller

Der philosophische Geist hat nur ein Ziel:
Nur zum Runterfahren: Das Ziel, für Wahrheit und Freiheit zu kämpfen.

مجری:

و این هدف عبارت است از مبارزه برای حقیقت و آزادی. متأسفانه شیلر می‌بایست اندک زمانی پس از آن **علیه** چیز دیگری پیکار کند- علیه بیماری سخت سل. او پس از ۳ سال ناگزیر به تدریس دانشگاهی خود خاتمه می‌دهد. اما کار نوشتن را همچنان پی می‌گیرد. شیلر در باغ خانه‌اش در بنا، که باغ میوه‌ای آرام و زیبا است، جلسات گفت‌وگوهای خود را با گونه برپا می‌کرد. اما بعضی اوقات موضوعی بسیار عادی و روزمره نیز می‌تواند ذهن متفکران بزرگ را به خود مشغول دارد. به این صحنه گوش کنید. موضوع بر سر GERUCH یعنی بو است. بوی سیب‌های گندیده.

Philipp

Radio D ...

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Paula

... das Hörspiel.

Szene 3: In Schillers Gartenhaus in Jena

Frau Schiller

Herr von Goethe, wie schön! Guten Tag.
Schiller ist noch unterwegs, aber er wird sicher bald zurücksein. Wollen Sie nicht reinkommen und auf ihn warten?

Goethe

Gern, sehr gern. Vielleicht kann ich in seinem Arbeitszimmer warten? Da kann ich mir ein paar Notizen machen.

Frau Schiller

Aber natürlich. Bitte, kommen Sie doch mit mir!

Goethe

Seltsam, mir wird ganz schwindelig, was ist das ... was riecht hier so merkwürdig?

Dieser Geruch, woher kommt denn dieser Geruch?

Hier! Im Schreibtisch muss etwas sein ...

Nein! – faule Äpfel, lauter faule Äpfel, also das, nein, das

Frau Schiller

Ach, Sie haben die Äpfel entdeckt. Ja, die müssen immer da sein. Schiller besteht darauf. Er braucht sie zum Leben und zum Arbeiten.

مجری:

بوی سیب‌های گندیده که از کشوی میز تحریر شیلر می‌آمد، برای گوته بس ناگوار و ناخوشایند بود.

Goethe

Seltsam, mir wird ganz schwindelig, was ist das ... was riecht hier so merkwürdig?

Nein! – faule Äpfel, lauter faule Äpfel, also das, nein, das ...

مجری:

برخی بر این باورند که بو باعث الهام شاعرانه شیلر می‌شد، برخی دیگر اما معتقدند که این بو، نفس کشیدن را برای او تسهیل می‌کرد. شیلر از بیماری ریوی رنج می‌برد. ما فقط می‌دانیم که شیلر به سیب هم برای زندگی و هم برای کار احتیاج داشت.

Frau Schiller

Er braucht sie zum Leben und zum Arbeiten.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

مجری:

شاید هم موضوع بر سر بخار الکلی بود که از تخمیر سیب ناشی می‌شد و این بخار باعث آرامش و شادابی شیلر می‌گشت.
و حال پروفیسورمان آمده است تا باعث نشاط شما شنوندگان عزیز شود.

Paula

Und nun kommt – unser Professor.

Philipp

Radio D ...

Paula

... Gespräch über Sprache.

پروفیسور:

در برنامه امروز به جملاتی توجه خواهیم کرد که با فعل WERDEN ساخته می‌شوند. این فعل معانی مختلفی دارد و می‌تواند به عنوان فعل کمکی برای بیان زمان آینده به کار رود.

Sprecher

werden

Sprecherin

Ich werde vor Publikum lesen.

مجری:

شیلر از کارهایی سخن می‌گوید که خواهان انجام آنها در آینده است.

پروفیسور:

بله. با فعل WERDEN همراه با فعل دومی به حالت مصدری می‌توان در باره موضوعی در آینده سخن گفت.

مجری:

در ارتباط با دوم و سوم شخص مفرد، حرف صدادار ریشه فعل WERDEN از **e** به **i** تغییر می‌کند. به این نمونه که مربوط به سوم شخص مفرد است، توجه کنید.

Sprecher

werden – er wird

Sprecherin

Schiller wird bald zurücksein.

پروفیسور:

اما فعل WERDEN کارکرد دیگری هم دارد، به این مثال توجه کنید.

Sprecher

Das wird eng.

مجری:

در اینجا پس از فعل WERDEN، فعل دومی نیامده، بلکه یک صفت می‌آید.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

پروفیسور:

دقیقاً، از ترکیب WERDEN با یک صفت یا قید می‌توان برای بیان تغییر و دگرگونی استفاده کرد، به عنوان نمونه، در ارتباط با دانشجویان- ابتدا چند نفری آمدند، و آنگاه لحظه به لحظه بیشتر و بیشتر شدند.

Sprecherin

Es werden immer mehr!

مجری:

با سپاس از آقای پروفیسور.
در برنامه بعدی شما با اندیشمند دیگری آشنا خواهید شد.

Paula

Bis zum nächsten Mal, liebe Hörerinnen und Hörer.

Philipp

Und tschüs.

آنچه شنیدید سری دوم آموزش زبان آلمانی رادیو D بود، تهیه شده توسط انستیتو
گوته و رادیو دوپچه وله

Herrad Meese

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle